

یادداشت

دن کیشوتیسیم فسادستیزی!

● **محمدصادق کلبدی:** فساد فی نفسه یک مفهوم انزاعی است که توسط فاسد به فعلیت می‌رسد و عینیت پیدا می‌کند. به بیان دیگر فساد ممکن‌الوجود است و فاسد امکان وجود را به آن می‌دهد. اگر یک چمدان پول و چند هکتار زمین کنار هم قرار بگیرند، فساد ایجاد نمی‌شود اما زمانی که اینها در دست انسان- از نوع فاسد- قرار بگیرد، قطعا در اولین فرصت فساد را تولید می‌کند. امیل دورکیم معتقد است «شهوات بشری تنها در برابر یک نیروی اخلاقی معتبر بازمی‌ایستند؛ بنابراین آنچه مانع از تولید و بازتولید فساد می‌شود، نخست یک قانون اخلاقی درونی است و بعد قوانین بازارانده جزایی. افکار عمومی جامعه ایران رویکرد سستیزه‌جویانه‌ای در برابر پدیده فساد دارد، اما از سویی دیگر در برابر فاسد که فساد را به فعلیت می‌رساند، رویکرد نرم‌تری دارد! در واقع بیش از آنکه فاسد را مقصر بداند و عامل، علت را در میان عوامل اجتماعی و محیطی جست‌وجو می‌کند؛ درست برعکس فیلسوفانی مانند هراکلیتوس و افلاطون که معتقدند انسان گرایش به انحطاط دارد یا هابز که انسان را در حالت طبیعی گرگ انسان می‌داند، این رویکرد بشر را فی‌نفسه عاری از پلیدی و زشتی و مانند موم در دستان اجتماع می‌داند که آن را به هر شکلی درمی‌آورد. مواجهه ما با انواع ناکامی و کامیابی‌ها ناشی می‌دهد عموما منشأ همه کامیابی‌ها را به شخص نسبت می‌دهیم و برعکس منشأ همه ناکامی‌ها را در عاملی خارج از فرد جست‌وجو می‌کنیم؛ برای مثال نفرات برتر کنکور، عموما کامیابی‌شان را به تلاش و استعداد فردی خود نسبت می‌دهند و افراد ناکام، از ساختار و محیط آموزشی تا خانواده و شرایط اجتماعی و اقتصادی همه را مقصر می‌دانند و کمتر کسی هست که به کم‌کاری خود معترف باشد. مجرمان و معتادان و بزه‌کاران هم شرایط موجودشان را در پاسخی کلیشه‌ای به دوست ناباب، اعتیاد پدر، طلاق مادر و فقر و شرایط اجتماعی نسبت می‌دهند و کمتر دیده و شنیده شده است که این افراد برای خود و انتخاب‌شان مسئولیت و سهمی قائل باشند. این در حالی است که جامعه و ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی چیزی جدا از افراد نیست. ما همواره ند کیشوت‌وار به دنبال پاک‌کردن دامن جامعه از زشتی‌ها و ناکارآمدی‌ها و فسادها بوده‌ایم، حال آنکه اگر در جامعه‌ای تک‌تک نهادها و ساختارهای اجتماعی منطبق بر مرفقی‌ترین قوانین حقوقی بشری و سطر به سطر قوانین آن برگرفته از متون مقدس و آیات قرآن هم باشد، اگر عامل به آن قوانین نباشد یا اراده‌ای برای عمل به آن وجود نداشته باشد، در آن صورت آن جامعه با یک جامعه منحط و عقب‌مانده هیچ تفاوتی نخواهد داشت. قصد مقایسه شرق و غرب را در این نوشتار نداریم اما برخلاف فرهنگ غرب که از دیرباز فرد و فردیت از اهمیتی خاص برخوردار بود، در شرق به طور خاص ایران، نوعی فرهنگ وابستگی به جمع و به قول ماکس وبر ساختار پاتریمونیال یا پدرسالار حاکم بوده است که متعاقب آن مردم به نقش افراد در جامعه اهمیتی نمی‌دهند و در عوض به دنبال یک منجی برای حل معضلات و مشکلات هستند، هرگاه که دستی، فاسدی را لمس می‌کند، صداهای بسیاری بلند می‌شود و گفته می‌شود که فاسد معلول است و باید به نبرد با علت رفت؛ حال آنکه علت‌ها نیز خود معلول افکار افرادند. جامعه ایران چهار دهه پیش به نبرد با علت یا همان ساختارهای رانتی فسادآفرین و استبدادپرور و نخه‌کش رفت و تا زمانی که باورهای ایدئولوژیک و درونی‌شده در نسل‌اولی‌های انقلابی و مردم پررنگ بود، وقایع و همدلی بیشتر و فساد و شکاف طبقاتی نیز کمتر بود اما چه شد که پس از سه دهه، فساد اقتصادی و شکاف طبقاتی عمیق شد؟ چه چیز تغییر کرد؟ قوانین و ساختارهای سیاسی-اجتماعی یا افکار و اوضاع و اعلان و مجریان آن؟ اجرای عدالت نیاز به افراد عادل دارد، علی‌الاصول افراد عادل هم که از سایر ملل وارد نمی‌شوند بلکه در همین جامعه تربیت می‌شوند. شفافیت خودبه‌خود ایجاد نمی‌شود و معلول تصمیم و اراده افراد است! افرادی که قوانین را وضع، نقض یا اجرا می‌کنند یا دور می‌زنند! از همین‌رو به‌تنهایی گرفتن یقه نهادها و قوانین و ساختارهایی که بود و نبوده و کیفیت‌شان در اختیار انسان است و نداشتن توقع از افراد، مبارزه با فساد نیست، بلکه مشت در خلا رهاکردن است.

خبر ویژه

تقدیر از آپ به‌عنوان شرکت پیشگام در نیکوکاری

● شرکت آسان‌پرداخت پرشین با حضور معاون رئیس‌جمهوری به عنوان شرکت پیشگام نیکوکاری در ایفای مسئولیت اجتماعی تقدیر شد. به گزارش روابط‌عمومی آسان‌پرداخت، در جشنواره برترین‌های سال ۹۸ پارک فناوری پردیس که سوزا ستاری، معاون علمی و فناوری دکتر روحانی در آن حضور داشت، جایزه و لوح تقدیر بخش «پیشگام نیکوکاری در ایفای مسئولیت اجتماعی» به آپ تعلق گرفت. علاوه بر آسان‌پرداخت، ۱۰ شرکت و سازمان دیگر در این جشنواره با سرفصل‌هایی مانند «صادرات محصولات و خدمات فناوریانه»، «همکاری با طرف‌های خارجی»، «همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی»، «توسعه اقتصادی»، «هم‌افزایی بین شرکت‌ها در مجموعه داخل پارک»، «تولید و توسعه فناوری» و «ارتقا و توسعه سازمانی» تقدیر شدند.

شرق: هفته گذشته چهار مرزنشین دیگر کشته شدند. خبرش سروصدایی به پا نکرد و در سکوت رفت که به فراموشی سپرده شود. زانست حسن‌نژاد، زانکو احمدی، سروش ملکاری و جلال خضری چهار نفری هستند که ۱۲ شهریور در معابر مرزی سردشت کشته شدند. یک نفر از آنها اهل پیرانشهر و سه نفرشان اهل سردشت بودند. به گفته خانواده‌شان برای آوردن کالا به کوه زده بودند تا نانی برای خانواده بیاورند، نانی که به قیمت جان‌شان تمام شد.

روایت‌ها از ماجرا یکسان نیست؛ برخی آنها را کولبر، برخی متجاوز و برخی قاچاقچی می‌دانند. سردار یحیی حسین‌خانی، فرمانده مرزبانی استان آذربایجان غربی، بعد از این اتفاق، در مصاحبه‌ای می‌گوید: «در ماه‌های گذشته در همین حوزه درگیری بین مرزبانان و گروهک ملحد «پژاک» منجر

به شهادت سه تن از مرداران عزیز کشورمان شده بود، پس از گذشت مدتی از گشت و کمین هدمند، حین دیده‌بانی و رصد و پایش منطقه مشاهده کردند تعدادی متجاوز مرزی در حال نقض فنی حریم ممنوعه مرزی هستند. بلافاصله مأموران با گرفتن موضع مناسب و تشدید انسداد نوار مرز با رعایت تردد غیرمجاز و تسهیل اسناد نوار مرز با رعایت قانون به‌کارگیری سلاح و هشدارهای لازم، اقدام به تیراندازی کردند که نهایتا سه نفر از متجاوزان مرزی مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و به هلاکت رسیدند.»

کمال حسین‌پور، نماینده سردشت و پیرانشهر، در مقابل این گفته فرمانده مرزبانی آذربایجان غربی موضعی متفاوت می‌گیرد و به «شرق» می‌گوید: «آیا می‌شود به هم‌وطن خود بگویید متجاوز؟ متجاوز باید اسلحه داشته باشد. متجاوز باید غیرایرانی باشد. به هم‌وطن خود که بدون اسلحه عبور می‌کند، نمی‌توان گفت متجاوز».

کولبر بودن

«قرار بود کولبری ساماندهی شود و با ایجاد درآمد جایگزین برای مرزنشینان، شانه‌های آنها از زیر بارهای صد کیلویی رها شود. قرار بود بازارچه‌های مرزی جدید شکل بگیرد و با تخفیف‌های بازرگانی، درآمد دومیلیون و ۸۰۰ هزار تومانی برای مرزنشینان در ماه ایجاد شود. قرارها این بود؛ اما واقعیت‌ها چیز دیگری است. در واقعیت بازارچه‌های مرزی قدیمی و معابر کولبری بسته شد. کارت‌های الکترونیک برای مرزنشینان صادر شد اما کارت‌ها بدون تعیین سازوکار بدون استفاده در دو سال گذشته در جیب مرزنشینان ماند. درآمد جایگزین برای مرزنشینان ایجاد نشد. کولبران برای تأمین نان‌شان، شیانۀ دل به کوه زدند و هزار بار در دلشان امید به دیده‌نشدن و کشته‌نشدن را مرور کردند، اما دعای‌شان برآورده نشد». اینها خلاصه‌ای از گفته‌های کمال حسین‌پور، نماینده مردم سردشت و پیرانشهر، محمود ملکاری پدر سروش و امیر حسن‌نژاد پسرعموی زانست است.

در دو گفت‌وگوی کوتاهی که در ادامه می‌آید به پرسم کولبری می‌کرد. همه ما کولبری می‌کنیم، نه زمین کشاورزی داریم نه دام داریم. مجبوریم کولبری کنیم. با قطار یا گاری یا پیاده. برای هر بار ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان می‌گیریم. بار ۶۰ کیلو تا صد کیلویی می‌آوریم.

کس روش چندساله بود؟

۲۰ساله بود.

کالایی که وارد می‌کرد قانونی بود؟

پوشاک وارد می‌کرد. قاچاق نمی‌کرد. ما وقتی جنازه را تحویل گرفتیم هیچ باری آنجا ندیدیم. آنهایی که این حرف را می‌زنند کارشان درست نیست.

معابر را دولت بست، نه معبری باز کرد، نه بازارچه‌ای راه انداخت

امیر حسن‌نژاد پسرعموی زانست است. او در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید دولت معابر را بسته، بازارچه‌ای راه‌اندازی نکرده و کارت‌هایی که وعده داده بود برای مرزنشینان درآمد داشته باشد، بدون استفاده است.

ک پسرعموی شما در جریان درگیری ۱۲ شهریور کشته شد. دلایل متفاوتی برای این اتفاق عنوان می‌شود. شما به‌عنوان یکی از اقوام نزدیک زانست فکر می‌کنید با چه انگیزه‌ای به مرز رفته بود؟

۱۲ سال می‌شد که کولبری می‌کرد. متولد ۷۳ بود و هفت سال بود که ازدواج کرده بود. اینجا نه شغلی هست نه درآمدی. مجبور بود کولبری کند. برای امرار معاش خودش، همسر و فرزند و پدر و مادرش مجبور بود کولبری کند.

ک برای هر باری که می‌برد چقدر می‌گرفت؟

۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان.

ک چه کالاهایی وارد می‌کرد؟

پوشاک، کولر گازی و تلویزیون.

ک چه ساعتی این اتفاق افتاد؟

ساعت ۶ صبح.

ک چرا شبانه رفتند؟

معبرا را دولت بسته است.

ک قرار بود با بستن معابر کولبری، بازارچه مرزی جدید ایجاد شود. آیا این بازارچه‌ها ایجاد شده است؟

نه، هیچ بازاری ایجاد نشده است.

ک قرار بود کارت الکترونیک صادر و با تخفیف بازرگانی برای کولبران ماهی دومیلیون و ۸۰۰ هزار تومان درآمد ایجاد شود. این کارت‌ها صادر شد؟

بله، صادر شد اما اینها همه قرار بود. خیلی چیزها قرار بود که نشد. الان این کارت‌ها بدون استفاده است و هیچ جای ایران کار نمی‌کند. اینها فقط حرف بود. پسرعموی من برای آوردن پوشاک رفته بود و باری هم نداشت. چهار کیلوتر به مرز هم مانده بود که این اتفاق افتاد. ما شاهد داریم که قبل از مرز تیر خوردند.

ک در چه منطقه‌ای این اتفاق افتاد؟

کانی خاتون که چهار کیلومتر با مرز فاصله دارد. بارهای صد کیلویی رها شود. قرار بود بازارچه‌های مرزی جدید شکل بگیرد و با تخفیف‌های بازرگانی، درآمد دومیلیون و ۸۰۰ هزار تومانی برای مرزنشینان در ماه ایجاد شود. قرارها این بود؛ اما واقعیت‌ها چیز دیگری است. در واقعیت بازارچه‌های مرزی قدیمی و معابر کولبری بسته شد. کارت‌های الکترونیک برای مرزنشینان صادر شد اما کارت‌ها بدون تعیین سازوکار بدون استفاده در دو سال گذشته در جیب مرزنشینان ماند. درآمد جایگزین برای مرزنشینان ایجاد نشد. کولبران برای تأمین نان‌شان، شیانۀ دل به کوه زدند و هزار بار در دلشان امید به دیده‌نشدن و کشته‌نشدن را مرور کردند، اما دعای‌شان برآورده نشد». اینها خلاصه‌ای از گفته‌های کمال حسین‌پور، نماینده مردم سردشت و پیرانشهر، محمود ملکاری پدر سروش و امیر حسن‌نژاد پسرعموی زانست است.

در دو گفت‌وگوی کوتاهی که در ادامه می‌آید به پرسم کولبری می‌کرد. همه ما کولبری می‌کنیم، نه زمین کشاورزی داریم نه دام داریم. مجبوریم کولبری کنیم. با قطار یا گاری یا پیاده. برای هر بار ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان می‌گیریم. بار ۶۰ کیلو تا صد کیلویی می‌آوریم.

کس روش چندساله بود؟

۲۰ساله بود.

کالایی که وارد می‌کرد قانونی بود؟

پوشاک وارد می‌کرد. قاچاق نمی‌کرد. ما وقتی جنازه را تحویل گرفتیم هیچ باری آنجا ندیدیم. آنهایی که این حرف را می‌زنند کارشان درست نیست.

معابر را دولت بست، نه معبری باز کرد، نه بازارچه‌ای راه انداخت

امیر حسن‌نژاد پسرعموی زانست است. او در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید دولت معابر را بسته، بازارچه‌ای راه‌اندازی نکرده و کارت‌هایی که وعده داده بود برای مرزنشینان درآمد داشته باشد، بدون استفاده است.

ک پسرعموی شما در جریان درگیری ۱۲ شهریور کشته شد. دلایل متفاوتی برای این اتفاق عنوان می‌شود. شما به‌عنوان یکی از اقوام نزدیک زانست فکر می‌کنید با چه انگیزه‌ای به مرز رفته بود؟

۱۲ سال می‌شد که کولبری می‌کرد. متولد ۷۳ بود و هفت سال بود که ازدواج کرده بود. اینجا نه شغلی هست نه درآمدی. مجبور بود کولبری کند. برای امرار معاش خودش، همسر و فرزند و پدر و مادرش مجبور بود کولبری کند.

«شرق» رویداد هفته گذشته در مرزهای غربی کردستان را بررسی می‌کند

چند روایت از یک واقعه

خانواده‌های مرزنشینان کشته‌شده بر کولبر بودن فرزندانشان تأکید دارند



خاصی وارد شود و برای هر خانوار چهارنفره در هر بار یک میلیون تومان تخفیف دیده شده بود. مردم برای گرفتن این کارت‌ها هزینه کردند و در کافی‌نت ثبت‌نام کردند، اما کارت صادرشده هیچ استفاده‌ای برای آنها ندارد و کار نمی‌کند. از دو سال قبل که این کارت‌ها صادر شده هیچ استفاده‌ای برای مردم منطقه نداشتۀ است.

نماینده مردم سردشت و پیرانشهر اظهار می‌کند: در تمام سردشت و پیرانشهر سه کارخانه فعال هم وجود ندارد. جوان سردشتی کجا کار کند؟ چگونه هزینه معیشت خانواده را تأمین کند؟ اینها برای تهیه کتاب فرزندان‌شان دچار مشکل هستند. آنها برای به‌دست‌آوردن حداقل معیشت‌شان ناچار به کولبری هستند. آنها می‌دانند که هدف گلوله قرار می‌گیرند اما باز هم به دل کوه می‌زنند، چه چیزی غیر از نداری می‌تواند آنها را وادار به پذیرفتن خطر مرگ کند؟ چرا آنها را دستگیر نمی‌کنند و طبق قانون با آنها برخورد نمی‌کنند؟ ماشه باید آخرین راه مانده بود که این اتفاق افتاد. ما شاهد داریم که

او در پاسخ به اینکه شما به عنوان نماینده این شهر چه واکنشی به موضوع نشان دادید؟ گفت: بلافاصله بعد از این اتفاق تذکری به رئیس‌جمهور دادیم. نامه‌ای هم به وزارت کشور نوشتم و از آنها خواستیم یک هیئت بازرسی به این شهرستان و اعزام کنند تا شرایط را خودشان از نزدیک ببینند و به این پرسش‌ها پاسخ دهند. یک: آیا هنگ مرزی قوانین حمل سلاح را به طور کامل رعایت می‌کنند؟ دو: آیا قانونا به این افراد تیراندازی می‌کنند؟ سه: آیا باید به این افراد تیراندازی شود؟ ما در مجلس هم به این ماجرا واکنش نشان دادیم و در کمیسیون امنیت ملی مسئولان ذی‌ربط را دعوت می‌کنیم و اعتراض شدی خود را اعلام خواهیم کرد تا دیگر تکرار نشود.

کلاف سردرگم مرزها و مرزنشینی

احسان هوشمند، پژوهشگر مطالعات قومی، در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به اتفاق رخ‌داده می‌گوید: در رسانه‌ها بیش از آنکه به ایجاد اقتصادی موضوع توجه شود، تنها به قربانی توجه شده است، به‌همین‌دلیل موضوع، تبدیل به یک کلاف سردرگم شده است. از سویی دولت در دهه‌های گذشته اقدام کارشناسی مقبولی برای شناسایی ریشه کولبری و تجارت غیررسمی در مرزها انجام داده است، در نتیجه تصمیمات اتخاذشده افتاد پیش‌توانه کارشناسی بوده است. از بعد دیگر سردشت مانند تمام مناطق مرزی کشور از نظر شاخص‌های توسعه‌ای وضعیت مطلوبی ندارد و با مسائل و مشکلات فراوانی ازجمله بی‌کاری گسترده جوانان و حتی تحصیل‌کردگان دست‌به‌گریبان است. این نکته را هم بیفزاییم که با اعلام جنگ مسلحانه برخی احزاب مسلح آن سوی مرز و حضور مسلحانه گاه و بیگاه آنان در مناطق مرزی کشور فضای نامناسبی در منطقه ایجاد شده که یکی از پیامدهای آن افزایش ریسک تردد همین کاسب‌کاران مرزی است.

او بیان می‌کند: نکته دیگری نیز باید اضافه کنیم. افزون بر نیاز جوانان مرزنشین به شغل برخی کالاهای غیرقانونی نیز در کشور بازار مصرفی دارد و تقاضای زیادی هم برای آن وجود دارد، مانند مشروبات الکلی که تجارت آن سود قابل توجهی نیز در پی دارد یا ورود برخی کالاهای دیگر هم با سوده‌های کلانی برای سرمایه‌گذاران این بخش همراه است. در این شرایط طبیعی است که گروهی جذب تجارت مرزی شوند.

او تأکید می‌کند: در این شرایط سربازان در نیمه‌شب امکان تشخیص ندارند. آنها نمی‌توانند متوجه شوند فردی که عبور می‌کند یک کاسب‌کار عادی است یا نیروی مسلح طرفدار آن هست.

سربازانی که در مرزها مستقر هستند، فرزندان این آب و خاک هستند و آنان نیز نگران امنیت کشور هستند. باید برای رفع مسئله تجارت غیررسمی در مرز همه جوانب را دید.

احسان هوشمند در ادامه می‌افزاید: آیا برای کم‌کردن میزان ریسک این نوع تجارت‌نیروهای مرزبانی به شهروندان آموزش لازم را داده‌اند! آیا با

افکار عمومی از طریق رسانه‌های کشوری و استانی به صورت مستمر ارتباط برقرار کرده‌اند. آیا هشدارهای لازم از طریق رسانه‌ها به مرزنشینان داده شده است؟ البته فعالان مدنی و فرهنگی این مناطق نیز در این باره بسیار کم‌کار هستند و صرفاً تنها به گلابه و اعتراض بسنده کرده‌اند. آیا ظرفیت فرهنگی و اجتماعی این نخبگان در جهت آموزش شهروندان و سوق‌دادن آنان به سوی کم‌کردن مخاطرات رفتارهای کاسب‌کاران و مبادلات‌شان قرار گرفته است؟ یا فقط وقتی کاسب‌کاری کشته شد، به بیان ناراضیانی پرداخته‌اند! آیا نمایندگان استان‌های مرزی تا‌به‌حال طرحی برای مطالعات مرزی و تدوین برنامه برای توسعه مناطق مرزی کشور طراحی و به دولت ارائه کرده‌اند؟ مگر مجلس از پشتوانه مرکز پژوهش‌های مجلس برخوردار نیست؛ آیا این مرکز پژوهشی مکلف شده تا ضرورت تدوین برنامه‌ای میان‌مدت برای توسعه مناطق مرزی کشور ارائه کند؟ از سوی دیگر سود اصلی تجارت در مرزها به جیب افرادی غیر از کاسب‌کاران جزء، واریز می‌شود. آیا مافیای اصلی قاچاق شناسایی شده است؟ مشخص شده است سود این تجارت به جیب چه کسانی واریز می‌شود؟ این راه باید تأکید کنم که خطاهایی در دولت‌های گذشته شکل گرفته که امروز موضوع را بسیار پیچیده کرده است.

او اظهار می‌کند: همواره بین همه کشورها مبادلاتی اعم از قانونی و غیرقانونی از طریق مرزنشینان صورت می‌گیرد. امروز که ترامپ می‌خواهد بین آمریکا و مکزیک دیوار بکشد، به دلیل همین مبادلات غیرقانونی مواد مخدر و... است. پس کنترل مرز یک مسئله بین بسیاری از کشورهاست. اما در کشور ما یک سلسله تصمیمات نادرست بر مشکلات افزوده است. در دولت آقای هاشمی و آغاز تحریم‌ها، طی تصمیماتی اجازه دادند رفت‌وآمدهای غیرقانونی به عراق صورت گیرد. دلیل هم این بود که صدام در حال فروپاشی بود و بازاری برای کالاهای ما در حال شکل‌گرفتن بود و با گروه‌های کرد عراقی روابط ویژه‌ای برقرار بود و می‌بایست به رفع نیازهای این منطقه توجه می‌شد.

هوشمند توضیح می‌دهد: به‌تدریج در دولت احمدی‌نژاد در استان‌ها معابری بدون نظر موافق کشور مقابل تعیین شد که عده‌ای از آن شروع به رفت‌وآمد کردند. برای مرزنشینان ساکن در ۲۰کیلومتری مرز نیز سهمیه‌ای با میزان شخصی خودبه‌خود افراد زیادی را به سمت خود می‌کشید. هوشمند اضافه می‌کند: تنها جایی که امکان ورود مشروبات الکلی در کشور وجود دارد، مرز کردستان عراق است. نه در مرزهای پاکستان و نه در افغانستان هیچ‌گونه جسارت و توانایی انتقال مشروبات الکلی وجود ندارد. مرز‌ها، ترکیه، جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان نیز به صورت نسبی کنترل می‌شود و بسته است و موانع جدی وجود دارد. در مرزهای غربی البته به جز مشروبات الکلی، تجارت انسان هم صورت می‌گیرد و رقم قابل توجه جابه‌جایی انسان در مرز را داریم. آن هم نه فقط ایرانی، بلکه افغانستانی، بنگالی، هندی، نیپالی و حتی از آفریقای جنوبی از این مرزها قاچاق می‌شوند به درون ترکیه. پس ما با یک مشکل جدی در مرزهای کشور مواجه هستیم. او عنوان می‌کند: این در شرایطی است که با یک کار غیرکارشناسی در بستن معابر غیررسمی و مرزها در دولت آقای روحانی نیز مواجه شدیم و تصمیمات غیرکارشناسی و مطالعه‌نشده‌ای اتخاذ شد. عملاً وقتی یک پدیده نهادمند مثلاً تجارت با کشورهای همسایه شده است، یک‌شبه با بستن مرز نمی‌توان جلوی آن را گرفت؛ چون افرادی که از این مسیر ارتزاق می‌کردند، راه‌های جایگزینی را پیدا می‌کنند. ما در ایران به یک مرکز جدی مطالعات مرز نیاز داریم که امروز فاقد آن هست.

هوشمند می‌افزاید: البته این نکته را نیز بیفزایم که موضوع تحریم‌ها هم اثر چشمگیری در تجارت مرزی غیرقانونی و غیررسمی داشته است. ساختار اقتصاد کشور نیز به دلیل بیماری‌های مختلفی که با آن دست به گریبان است، گروهی از شهروندان را به تجارت غیرشفاف سوق می‌دهد. این مسئله بر مرزهای کشور اثر مستقیم دارد.

خبر

ایجاد ۳۰ هزار شغل مستقیم در راه‌است

● رئیس گروه مالی گردشگری در بازدید از پروژه‌های در دست اجرای سرزمین ایرانیان (آیلند) بر ضرورت تسریع در بهره‌برداری از پروژه‌های فاز اول مجموعه تا پایان سال جاری تأکید کرد و گفت: ایجاد بیش از ۳۰ هزار شغل در آیلند، کار باارزش و مقدسی است. به گزارش روابط عمومی گروه مالی گردشگری، مهدی جهانگیری در این بازدید که مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره بانک گردشگری حضور داشتند، گفت: برای تسریع در اجرای پروژه‌ها لازم است «مدیریت بهره‌برداری» از «مدیریت اجرا» تفکیک شود. وی افزود: نهایی‌کردن و اتمام ۱۱ پروژه در فاز نخست باید در اولویت قرار گیرد به طوری که تا پایان سال جاری شاهد بهره‌برداری‌رسیدن این پروژه‌ها باشیم. جهانگیری تصریح کرد: با اجرای پروژه آیلند بیش از ۳۰ هزار شغل مستقیم در این مجموعه ایجاد می‌شود که کار باارزش و مقدسی است. رئیس گروه مالی گردشگری در عین حال تکمیل پروژه‌های فاز ۲ را مورد توجه قرار داد و افزود: باید برنامه‌ریزی‌های لازم برای تأمین مالی تکمیل فاز ۲ از راه‌های ممکن انجام شود اما تلاش مدیران این مجموعه بر بهره‌برداری‌رسیدن پروژه‌های فاز یک باشد. جهانگیری تصریح کرد: تبدیل مجموعه آیلند از سهمای خاص به سهامی عام یکی از الزامات است که باید در این زمینه تلاش شود و حتی رفتن به بازار توافقی می‌تواند کمک خوبی باشد. در این بازدید، مدیرعامل بانک گردشگری نیز در سخنان کوتاهی گفت: اکنون در اجرای پروژه‌ها به طور عمده از تسهیلات بانکی استفاده می‌شود اما لازم است از روش‌های دیگر هم برای تأمین مالی بهره‌گیری شود. مرتضی خامی افزود: هرچند بانک گردشگری در پرداخت تسهیلات به درستی به تکاپیشش عمل کرده است، اما همچنان آماده حمایت از مجموعه آیلند هستیم و امیدواریم هر چه زودتر شاهد بهره‌برداری از این پروژه باشیم. رئیس هیئت مؤسس سرزمین ایرانیان در جریان این بازدید توضحات کاملی از اقدامات انجام‌شده و برنامه‌های در دست اجرا در مجموعه آیلند ارائه کرد. سیدجواد موسوی گفت: حدود ۹۵ درصد از زیرساخت‌های فاز یک این مجموعه به مساحت ۷۵۰ هکتار انجام شده و زیرساخت‌ها برای اجرای فاز ۲ نیز با سرعت مطلوبی در حال انجام است.

وی افزود: ۱۱ پروژه از ۲۴ پروژه در دست اجرای این مجموعه آماده بهره‌برداری شده که شهر خردو، بیست سوپرکارت، بیست‌های آفرود، هم‌انسترا، پارک علم و فناوری، دریاچه تفریحی ورزشی آیلند، «هکده، زمین و کلوب ورزشی کلف»، پارک خطی، رینگ‌رود و مرکز محله (ورزشگاه، مرکز تجاری، مسجد، درمانگاه، مدرسه و مرکز فرهنگی) را شامل می‌شود.

این گزارش حاکی است: مجموعه آیلند به مساحت ۱۴۰۰ هکتار منطقه ویژه اقتصادی محسوب شده و نزدیک‌ترین منطقه ویژه اقتصادی به پایتخت است. مساحت این مجموعه از ۱۲ کشور مستقل دنیا بزرگ‌تر است.

خبر ویژه

مجموعه ۲۷ جلدی داستان‌های سواد مالی رونمایی شد

● به گزارش روابط‌عمومی آکادمی هوش مالی، مجموعه ۲۷‌جلدی داستان‌های هوش مالی با حضور عفت شریعتی، نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی، کیمیل رودی، مدیر آکادمی هوش مالی، رؤیا فتحی، رئیس فرهنگ‌سرای سرو، دکتر امیدعلی مسعودی، انتشاراثر و مدیر گروه ارتباطات دانشگاه سوره و دکتر محمدصادق افراسیابی، معاون امور محتوایی مرکز فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در فرهنگ‌سرای سرو برگزار شد. مجموعه ۲۷‌جلدی داستان‌های هوش مالی که به همت آکادمی هوش مالی تهیه و در انتشارات قدیانی منتشر شده است، مهارت‌های خرج و پس‌انداز، اعتبار و بدهی، کاربایی و درآمد، سرمایه‌گذاری، ریسک و بیمه و تصمیم‌گیری مالی را با زبان داستان به کودکان مقطع دوم دبستان آموزش می‌دهد. عفت شریعتی، نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی، در این مراسم گفت: در حال حاضر در جامعه به موضوع سواد مالی بسیار کم پرداخته شده است که برای گسترش این حوزه در جامعه باید از کودکی برنامه‌ریزی صورت گیرد. او خاطرنشان کرد: تدوین و تألیف مجموعه ۲۷‌جلدی داستان‌های هوش مالی نقش بسزایی در آموزش کودکان دارد و باید این رویه تقویت شود. عضو کمیسیون سیاست داخلی مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: مهارت‌های لازم درخصوص هوش مالی باید در آموزش کودکان از پیش‌دبستانی آغاز شود تا در آینده بتوانیم نتایج آن را مشاهده کنیم. شریعتی خاطرنشان کرد: باید بستری فراهم شود که آموزش‌های هوش مالی در صداوسیما به‌خصوص در شبکه آموزش به کودکان و نوجوانان آموزش داده شود؛ چراکه آینده کشور در دست کودکان امروز است.